

روند شکل‌گیری هویت ملی مردم کانادا در کتاب‌های کودک

O نوشته: جویس بین بریج و برندا و ولودکو

O ترجمه شقایق قندهاری

مشترک‌المنافع [بریتانیا] محسوب می‌شود، از جنبه‌های بسیار مهم و حساس با ایالات متحده آمریکا پیوندی تنگاتنگ دارد.

پیوند و ارتباط کانادا با اقتصاد آمریکا، به تدریج به مهمترین بخش این رابطه تبدیل شد؛ به طوری که چیزی نگذشت که کانادا پی برد که مستعمره دو کشور و دو قطب قدرتمند جهانی، یعنی انگلیس و آمریکا شده است. از این رو، در طول این دوران کسی نمی‌توانست کانادا را به عنوان یک کشور مستقل بشناسد و هیچ تلاش و اقدام چشمگیری در جهت تعیین عوامل و مشخصه‌های هویت کانادا برداشته نشد. «فرانک دیوی»^۱ کانادا را به صورت «دولتی که نزد شهروندان خود نامرئی و نامحسوس بود» توصیف کرد.

در نیمه دوم قرن بیستم، حضور موفقیت‌آمیز کانون ملی کانادا، با شکل‌گیری و قوام هویت کانادا، به عنوان یک ملت مستقل، هم زمان شد و سرانجام، قوام بخش‌های سیاسی و اقتصادی، اجازه شکل‌گیری و ساختار ادبیات ملی را به این کشور داد. البته، بخش اعظمی از این حمایت‌ها را دولت فدرال تأمین کرد. ابتدا ادبیات بزرگسالان شکل گرفت و بعد از گذشت مدتی، ساختار ادبیات کودک و نوجوان نیز تشکیل شد. تازه در اواخر دهه ۱۹۷۰ بود که جوایزی برای تصویرگری کتاب کودک، در کانادا بنا نهاده شد؛

بی‌اعتمادی و بدبینی میان اقوام ملی کانادایی که به زبان انگلیسی و فرانسوی صحبت می‌کنند، چنان تنشی در کشور کانادا به وجود آورد که از قرن هجدهم تا همین اواخر، ادامه داشته است! بنا به گفته «رمزی کوک»^۲ ملی‌گرایان فرانسوی و انگلیسی زبان، هر دو «ارزش و اعتبار مفهوم ملی‌گرایی سیاسی و دوگانگی فرهنگی موجود در بطن جامعه کانادا» را مردود می‌شمارند و هیچ یک از این دو، پذیرای این واقعیت نیستند.

در واقع، آن‌ها معتقدند که جامعه‌ای که از نظر فرهنگی دوگانه باشد نمی‌تواند هویت ملی مشترک و فراگیری به وجود بیاورد. پس از جنگ جهانی دوم، در اثر عقب نشینی انگلیس به عنوان قدرتی امپراتوری، خلایی در کانادا پدید آمد که حاصل آن افزایش تنش و تشویق در کانادا بود. در طول نیمه اول قرن بیستم، کانادایی‌های انگلیسی زبان، خود را همچنان بخشی بسیار اساسی از امپراتوری انگلیس قلمداد می‌کردند. بخش عمده‌ای از مطالب کتاب‌های آموزشی مدارس، به تاریخ انگلیس، شعر انگلیس و حتی داستان‌های این کشور اختصاص داشت. در این خصوص، «آرنولد لوئر»^۳ می‌گوید: «کودکان در اعماق امپریالیسم غرق شده بودند».

اگرچه کانادا هنوز یکی از اعضای کشورهای

از دیدگاه سنتی و قدیمی، ادبیات همواره بازتابی از ارزش‌ها، تنش‌ها، اسطوره‌ها و روانشناسی است که سرانجام، ویژگی‌ها و مشخصه‌های کلی یک قوم و ملت را مشخص می‌سازد. «بندیکت آندرسون»^۴، یک قوم و ملت را به صورت، «یک جامعه قابل تصور و مجسم» توصیف می‌کند. او می‌گوید که هر چند بیشتر اعضا و افراد یک ملت یکدیگر را نمی‌شناسند و هرگز با یکدیگر ملاقات نمی‌کنند و با هم گفت و شنودی ندارند، با این حال همه آن‌ها به عنوان افرادی مستقل در بطن جامعه خود، تصویر و تجسم مشترکی نسبت به هویت و مشخصه‌های خود دارند. بدون شک، از عناصر اصلی سازنده هر ملتی، ادبیات است. بنا به نظر «سارا کورس»^۵ ادبیات «از روندی که طی آن ملل تشکیل می‌شوند و خود را از سایر ملل متمایز می‌سازند، از عناصر اصلی است.» وی در ضمن، خاطرنشان می‌کند که ادبیات ملی و قومی هر کشور، علاوه بر آشکار ساختن هویت و مشخصه‌های منحصر و خاص آن ملت، نقش فعال و پویایی نیز در شکل‌گیری آن هویت دارد.

کشور کانادا، به تازگی توانسته هویت غنی و ملی خود را به دست بیاورد. تا اواسط قرن بیستم، هویت کانادا ترکیب ناهمگون و نامشخص از ارزش‌ها و مشخصه‌های فرهنگ فرانسه، انگلستان و آمریکا بود. حس

مثلاً جایزه «آملیا فرانس هاورد گیبون»^۱ برای تصویرگری، به وسیله انجمن کتابخانه‌های کانادا، در سال ۱۹۷۱ تأسیس شد. علاوه بر این، کتاب‌های مصور ارزشمند و با کیفیت مناسب، تا اواخر دهه ۱۹۸۰، به طور گسترده نشر و توزیع نمی‌شد. اما امروزه فعال‌ترین بخش ادبیات کودک کانادا را کتاب‌های مصور تشکیل می‌دهند که خود، نمایانگر چشم اندازی جذاب در خصوص هویت ملی کاناداست. پس از گذشت مدتی از نیمه دوم قرن بیستم، رونق و پیشرفت مهمی که در عرصه تئوری‌های فرهنگ و نقد صورت گرفت، ضرورت تغییر و تحول در روش‌های مطالعه و بازتاب عملکرد پویای جامعه کانادا را فراهم ساخت.

همین تغییر و تحول، خود باعث ظهور افراد جدیدی که از عقاید تازه‌ای برخوردار بودند، در ادبیات شد. نویسندگان و تصویرگران معاصر، علاوه بر طرح و ارائه مسائل از جنبه‌های مختلف قومی و فرهنگی متمایز و حاکم بر این کشور، سعی دارند دیدگاه‌های خود را فقط به یک جنبه محدود نسازند و ابعاد فرهنگ مختلف را در آثار خود نمایان کنند. به گفته «اینگرید جانستون»^۲ همه این نویسندگان و تصویرگران «لایه‌های درونی و مختلف فرهنگ‌های متفاوت سخن می‌گویند. آن‌ها همواره نظریه‌ها و باورهای حاکم بر یک فرهنگ را از دید دیگر اقوام مورد بررسی قرار می‌دهند و می‌کوشند در میان فرهنگ موجود و حاکم بر کشور خود، آن هویتی را ترسیم کنند که بی‌شبهت به چندگانگی فرهنگ کشورشان نیست که در ضمن، تمایزات مهمی نیز با هم دارند.»

آثاری که برای بحث و بررسی در این مقاله گزینش و انتخاب شده، کتاب‌های مصور انگلیسی؛ زبانی است که در طول دهه ۱۹۹۰ منتشر شده.

کتاب‌هایی که نقش و تاثیر نظریه‌های فرهنگ و انتقادی عصر حاضر را به خوبی نمایان می‌سازند. این آثار نسبت به آثار دوره‌های قبل، کم‌تر سانسور شده‌اند و در واقع، از میان لایه‌های میانی و حتی عمیق‌تر موجود، فصول مشترکی را که کانادا را به عنوان ملتی چند فرهنگ و فراگیر

اگرچه کانادا هنوز یکی از اعضای کشورهای مشترک المنافع [بریتانیا] محسوب می‌شود، از جنبه‌های بسیار مهم و حساس با ایالات متحده آمریکا پیوندی تنگاتنگ دارد



می‌شناساند، به مخاطبان خود معرفی می‌کند. تجارب و آموخته‌های متمایز و منحصر به فرد مؤلفان و تصویرگری، به آن‌ها اجازه می‌دهد که آرا و نظریه‌های خود را از دیدگاه‌هایی کاملاً متفاوت با دوره‌های قبل، بیان و طرح کنند. در حقیقت، آن‌ها «از درون خود» می‌نویسند و بدین شکل، تنش‌ها و تناقضات حاکم بر جامعه کانادا را مطرح می‌سازند. با کمک همین آثار، مخاطبان می‌توانند دیدگاه خود را در خصوص جامعه کانادا و مشخصه‌های مردم این کشور پرورش دهند.

آرا و عقاید مردم بومی

«مایکل آروار لوک کاساگاک»^۳ یکی از نویسندگان برجسته و مطرح کودکان است که در منطقه «ریالس بی»^۴ یکی از شهرک‌های دایره قطب شمال بزرگ شد. او در هفت سالگی، به مدرسه انگلیسی زبانی در محل زندگی خود رفت و این در حالی بود که وی تا به آن زمان، فقط به زبان اسکیمویی سخن می‌گفت. خانواده کاساگاک، از جمله قبیله‌های سنتی و اصیل چادرنشین اسکیمو بودند که زمستان‌ها در کلبه‌های مخصوص «ایگلو» و تابستان‌ها در چادر زندگی می‌کردند و بیشتر اوقات سفرهای خود را با گله‌ای سگ به انجام می‌رساندند. او در داستان‌های خود، توجه خاصی به دوره تغییر و تحول شگرف زندگی مردم اسکیمو دارد؛ زمانی که در طول دهه ۱۹۵۰ سبک و سیاق زندگی سنتی مردم، به سرعت از بین رفت. در حقیقت، وی در آثار خود این تغییرات را با بینش بسیار مثبت و با لحنی ستایش‌آمیز به تصویر می‌کشد. این نویسنده برای خلق آثارش، تجربیات خود را با داستان‌های شفاهی مادر بزرگش ترکیب می‌کند. هریک از کتاب‌های کاساگاک، درباره کودک اسکیمویی است که در عصر حاضر زندگی می‌کند و در هر داستان هیجانانگیز، شگفتی‌ها و مسائل جذاب زندگی امروزی را با نظری به گذر و افول باورها و سبک و سیاق زندگی سنتی خلق می‌کند. در واقع او از هیچک از این دو جنبه غافل نمی‌شود.

کتاب «چراغ‌های شمالی، تاثیر فوتبال» (چاپ تورنتو، نشر آینک، سال ۱۹۹۳) این نویسنده، به وسیله «ولادینا کریکورکا»^{۱۱} تصویرگری شده است. کاساگاک، محل وقوع داستان خود را در منطقه شمالی و قطبی به نام «نوناووت» قرار داد و سرگذشت دختر اسکیمویی به نام «کاتاچاک» را روایت می‌کند که همراه با مادر بزرگ خود زندگی می‌کند. مادر کاتاچاک سخت بیمار می‌شود و با هواپیمایی به منطقه جنوب سفر می‌کند و هرگز بر نمی‌گردد.

یک روز وقتی کاتاچاک به شدت برای مادرش دلتنگی می‌کند. مادر بزرگ به او می‌گوید که وقتی کسی می‌میرد روحش به بهشت می‌رود و گاهی در شب‌های صاف و مهتابی، روح آن‌ها به زمین فوتبال بسیار بزرگی در آسمان می‌رود تا با سایر روح‌ها فوتبال بازی کند. بنابراین، منظور نویسنده از عنوان «چراغ‌های شمالی» همین است؛ بازی تعداد کثیری از روح‌ها در زمین فوتبال آسمان. در حقیقت، مادر بزرگ با بیان این داستان، به نوه خود کمک می‌کند تا قدری آرام شود و با دریافت این مسئله که مادرش به او نزدیک است، راحت‌تر زندگی کند. خانم «ولادینا کریکورکا»، در جمهوری چک به دنیا آمد. او بارها و بارها به مدار منطقه قطب شمال سفر کرد و علاوه بر آشنایی با مردم این ناحیه عکس‌های زیادی از مناظر و چشم انداز این ناحیه گرفت. او بیشتر تصاویر خود را با استفاده از مداد رنگی و آب رنگ می‌کشد. او در آثار خود، از

رنگ‌های شاد و روشن- شامل سایه و روشن‌های مختلف آبی- استفاده می‌کند و بدین شکل، تصاویر وی با تصویر رایجی که از منطقه قطب، به عنوان سرزمین بایر و یک دست سفید ارائه می‌شود، کاملاً متفاوت است و متمایز است. کریکورکا، مردم اسکیمو را بدون هرگونه کلیشه سازی به تصویر می‌کشد و تصاویر بسیار زیبایی او، شباهت بسیاری با تصاویر خوش آب و رنگ و جذاب اروپایی دارد؛ به طوری که فضای سرد زمستان شمال کانادا، به خوبی ملموس و محسوس است. کتاب چراغ‌های شمالی، جایزه تصویرگری «روس شوارتز»^{۱۲} را در سال ۱۹۹۴ از آن خود ساخت که البته این امر با حمایت و پشتیبانی انجمن کتاب‌های پرفروش کانادا و شورای هنری اونتاریو میسر شد.

یکی دیگر از زوج‌های مطرح و شناخته شده نویسنده- تصویرگر کانادا، ریچارد ون کمپ^{۱۳} و «جورج لیتل چایلد»^{۱۴} هستند. این زوج هنری، با تلفیق و ترکیب ذوق و استعداد و خلاقیت خود، کتاب‌های مصور بسیار موفق و برجسته «مردی به نام کلاغ» (چاپ سان فرانسیسکو، نشر کتاب‌های کودکان، چاپ ۱۹۹۷) و نیز «زیباترین چیزی که درباره اسب‌ها می‌دانی چیست؟» (چاپ ۱۹۹۸، همان ناشر) را به وجود آورده‌اند. ریچارد ون کمپ، علاوه بر نگارش داستان‌های

به نام کلاغ، وضعیت کنونی زندگی مردم و فرد یارگیری را که به عنوان یکی از شخصیت‌های ازلی و تمثیلی ادبی جهانی شناخته شده است، در کار هم توصیف می‌کند. دو برادر جوان، کلاغی را در یک پارکینگ به دام می‌اندازند و او را با چوب چوگان شکسته‌ای مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. این دو برادر معتقدند که کلاغ، فقط موجودی مزاحم و بی فایده است. در حین سر و صدایی که آن‌ها به پا می‌کنند، کلاغ موفق می‌شود از پارکینگ بگریزد. اندکی بعد پسرها،

در نیمه دوم قرن بیستم، حضور موفقیت‌آمیز کانون ملی کانادا، با شکل‌گیری و قوام هویت کانادا، به عنوان یک ملت مستقل، هم زمان شد و سرانجام، قوام بخش‌های سیاسی و اقتصادی، اجازه شکل‌گیری و ساختار ادبیات ملی را به این کشور داد



غریبه‌ای ناشناس و خشمگین را رو به روی خود می‌بینند. مرد غریبه با تعریف داستانی برای پسرهای جوان، احترام به طبیعت را به آن‌ها می‌آموزد و سپس ناپدید می‌شود...

آرا و عقاید مردم مهاجر

یکی دیگر از جنبه‌های متمایز مربوط به هویت کانادا، توسط نویسندگان و تصویرگرانی تأمین می‌شود که به تازگی به این کشور مهاجرت کرده‌اند یا این که فرزندان نسلی از مهاجران این کشور به حساب می‌آیند که از کشورهایی هم چون چین، هند و منطقه کارائیب به کانادا آمده‌اند. فرهنگ و سبک و سیاق زندگی اولین گروه‌های مهاجر چینی، در کتاب «قطار شب» نوشته «پل بی»^{۱۵} با تصویرگری «هاروی چان»^{۱۶}، چاپ تورنتو (گرانددود-۱۹۹۶)،

مصور برای کودکان، داستان کوتاه، نمایش نامه و زمان هم برای بزرگسالان می‌نویسد. آثار تصویرگری جورج لیتل چایلد، در بسیاری از نگارخانه‌ها و نمایشگاه‌های تصویرگری سراسر جهان، به نمایش گذاشته شده است. این هنرمند، به سبب ظرافت و نکته‌بینی خود در نقاشی و همچنین تصاویر کلاژ بسیار منحصر به فرد و بی نظیر خود، کاملاً شناخته شده است. در واقع، تصویرگری او، در حین سادگی و وضوح، نمایانگر آثار هنری سیاسی-بومیان عصر حاضر کانادا است. تصاویر و نقاشی‌های وی که تلفیقی از سبک‌های مختلف رایج این هنر است، علاوه بر انعکاس سرگذشت شخصی و خانوادگی وی، توجه و اهمیت احیا و بازسازی فرهنگ نیاکان را از نظر او کاملاً مشخص می‌سازد. داستان مردی

به خوبی توصیف شده است. این کتاب مصور با تصاویر فوق العاده خوب، به طرز خاص و با بیانی غنی، سرگذشت و وضعیت آن دسته از مهاجران چینی را که در ساخت راه آهن کشور کانادا نقش اصلی ایفا کرده اند به تصویر می کشد. در واقع، برای ایجاد هر مایل از خط راه آهن حد فاصل بین «ونکوور» و «کالگاری»، یک نفر چینی جان خود را از دست داد. قطار شبخ، در ۱۹۹۶ جایزه شورای ادبی کانادا را برای متن و جایزه تصویرگری «آملیا فرانسیس هاوارد گیبون» را در سال ۱۹۹۷ دریافت کرد.

نویسنده کتاب - پلی یی - در «ساسکاچوان» به دنیا آمد، اما در واقع در شهر چینی های مقیم کانادا - ون کوور - بزرگ شد. او از افراد نسل سوم اهل کانادا محسوب می شود و خودش را بدین شکل توصیف می کند. «دوران کودکی ام ترکیبی از دو فرهنگ چین و کانادا بود و من میان این دو دنیای متفاوت، حیوان و سرگردان بودم.» یی، مورخ و در عین حال تحلیل گر مسائل سیاسی و بایگان سازمانی هم هست! تصویرگر کتاب - هاروی چان - در هنک کنگ متولد شد و زمانی که ۱۹ ساله بود، به کانادا عزیمت کرد. ابزار اصلی کار چان در تصویرگری، گچ رنگی است، البته در حین کار خود، علاوه بر به کارگیری سایر ابزارها، رویکردها و سبک های مختلف هنری را مدنظر قرار می دهد. او برای تصویرگری داستان قطار شبخ، درباره دختری چینی به نام «چون یی» است. او دختر رعیت فقیری در جنوب چین است که تصمیم می گیرد به پدرش در کانادا ملحق شود. او به محض ورود به کانادا، متوجه می شود که پدرش در یک سانحه قطار کشته شده است. چون یی که قصد بازگشت به چین را دارد، پدرش را در خواب می بیند. پدر در خواب از او درخواست می کند سفری با قطار داشته باشد. چون یی طی این سفر، به زحمات طاقت فرسای چینی هایی که خط راه آهن کشور کانادا را ساختند، پی می برد. این دختر هنرمند، نقاشی بسیار زیبایی از قطار می کشد و آن را به یاد کارگران از دست رفته چین، به کشور خود می برد. زبان تصویری و تمثیلی بسیار گویای پل یی، باعث شده که این اثر، از متن و تصویری بسیار غنی و موفق برخوردار باشد. نویسنده دیگری به نام «راچنا گیل مور»، مجموعه داستان هایی درباره دختری خردسالی به نام «گیتا» که از کشور هند به کانادا مهاجرت کرده نوشته است. این مجموعه شامل سه عنوان کتاب است. عنوان جلد اول «چراغ هایی برای گیتا» نام دارد (چاپ ۱۹۹۴، تورنتو). گیل مور که خود متولد هند است، پیش از مهاجرت به کانادا،

ساکن انگلیس بود. او در سال ۱۹۹۹، جایزه شورای ادبی کانادا را برای «روزی پرسروصد» (چاپ تورنتو، ۱۹۹۹) دریافت کرد. این کتاب مصور، درباره کودک ناشنوایی است که پس از درگیری با مادر و برادرش، می خواهد هر طور شده از خانه بیرون برود تا باران را ببیند. چراغ هایی برای گیتا، زمانی را توصیف می کند که گیتا می خواهد یکی از مراسم و جشن های آیینی هنری را برای نخستین بار در

کانادا برگزار کند. پس از اینکه توفان و بارش شدید، مانع از حضور یکی از دوستان گیتا در این جشن می شود، گیتا با ناراحتی جشن سال گذشته را در هند به یاد می آورد و از این که مجبور است در کشوری دور از پدر بزرگ و مادربزرگش زندگی کند، خیلی عصبانی می شود. ناگهان برق می رود و فقط چراغ های نفتی ای که گیتا برای مراسم جشن روشن کرده، فضای خانه را روشن می کند. چیزی نمی گذرد که اتومبیلی درست در مقابل ساختمان منزل گیتا توقف می کند و چراغ های جلوی اتومبیل فضای خانه را روشن می سازد. دوست صمیمی گیتا - امی - سرانجام خود را به جشن رسانده است و بدین شکل، گیتا اولین مراسم برگزاری جشن سنتی هنری را در کانادا به خاطر می سپارد.

«الیس پرست لی» ۲، در تصویرگری این کتاب، مداد شمعی را ابزار اصلی کار خود قرار داد و با تلفیق رنگ های متفاوت، توانست فضا و محیط وقوع داستان را به خوبی به مخاطبان منتقل کند.

○ آرا و عقاید تلفیقی و چند فرهنگی

آرا نظریات افراد مهاجر و بومی، با داستان های کهن مربوط به دوران اولیه این سرزمین تلفیق شده است. «ارنست رنان» ۳ معتقد است که روح اصلی حاکم بر هر ملتی را دو عامل می سازد؛ یکی ادعای - چه واقعی و چه کاذب - تملک بار غنی یادگارها و خاطرات و روم احساس رضایت از وضعیت کنونی زندگی، میل و رغبت برای زیستن در کنار هم و اشتیاق برای حفظ میراث های فرهنگی دریافت شده از نسل های پیشین» بخش عمده ای از ادبیات معاصر کانادا، وابستگی ها و پیوندهایی با گذشته این سرزمین دارد، اما داستان هایی که مردم

مهاجر همراه خود به کشور کانادا آورده اند، بخشی از ذخیره غنی یاد و خاطراتی است که نزد همه مردم محترم و ارزشمند محسوب می شود. «ریچاردو کینز - داگلاس» ۴ داستان سرا، نمایش نامه نویسی و بازیگری است که تمام آثار و کارهای حرفه ای و هنری اش، به شدت تحت تأثیر آداب داستان سرایی شفاهی قرار گرفته است. از این رو، او در نوشته های خود توجه خاص به صوت و آوای عبارات و کلمات دارد و

پس از گذشت مدتی از نیمه دوم قرن بیستم، رونق و پیشرفت مهمی که در عرصه تئوری های فرهنگ و نقد صورت گرفت، ضرورت تغییر و تحول در روش های مطالعه و بازتاب عملکرد پویای جامعه کانادا را فراهم ساخت

یکی دیگر از جنبه های متمایز مربوط به هویت کانادا، توسط نویسندگان و تصویرگرانی تأمین می شود که به تازگی به این کشور مهاجرت کرده اند یا اینکه فرزندان نسلی از مهاجران این کشور به حساب می آیند که از کشورهایی هم چون چین، هند و منطقه کارائیب به کانادا آمده اند

سعی می کند که آن ها را به گونه ای در کنار هم بچیند که از نظر صوتی و شنیداری، بسیار زیبا و دلنشین باشند. برای او ایام کودکی و دورانی که اعضای خانواده دور هم جمع می شوند تا برای هم صحبت کنند و داستان یا لطیفه ای بگویند، بسیار پرخاطره و ارزشمند است. درون مایه های اصلی آثار او عشق و ایمان، مادی گرایی، خانواده و بردگی است.

داگلاس، در داستان «شاهزاده درخت جوز» (چاپ ۱۹۹۲، نشر آنتیک)، یکی از افسانه های کهن بومی را بازگو می کند. در این افسانه، دو دوست جوان جست و جوی شاهزاده درخت جوز، از کوهی بالا می روند. پس از اینکه «پیتال»، دوستش «آگلو» را از غرق شدن در رودخانه کوهستان نجات می دهد، شاهزاده درخت جوز

ظاهر می‌شود و به بچه می‌گوید: «با نیرو و شور و بسیار پا به عرصه حیات دنیا بگذارید. هم اینک بروید و آرزوهای خود را دنبال کنید و بدانید که اگر خودتان را باور داشته باشید، همه چیز ممکن و میسر می‌شود.»

بچه‌ها پس از بازگشت به دهکده، متوجه می‌شوند که پیرزنی که نخستین بار داستان شاهزاده جوز را برای‌شان تعریف کرده، از آنجا رفته است. اما پیرزن، با اطمینان به این که بچه‌ها با دقت و هوشیاری از درختان جوز مراقبت می‌کنند، تمام درختان اطراف خانه خود را در اختیار آن‌ها گذاشته است. داستان‌های آفریقای «تولولو مویل»^۵، بسیار مطرح و در سطح جهان شناخته شده است. او باورهای خود را به عنوان یک نویسنده طوری بیان می‌کند که تأثیرپذیری شدید خود را از فرهنگ شفاهی قصه

باورها و نظریاتی که

نویسندگانی چون

پلی و مایکل کاساگاک

به مخاطبان خود عرضه می‌کنند،

زمانی جزو

موارد سانسور شده

کتاب‌های کودکان

محسوب می‌شد

گویی نشان می‌دهد. او داستان‌های کهن آفریقا را صرفاً بازنویسی نمی‌کند؛ بلکه ایده‌ها و درون‌مایه‌های مدنظر خود را در بطن این آثار جای می‌دهد. تکرار و به کارگیری کلام آهنگین، از جمله مشخصه‌های بارز داستان‌های معروف وی است.

؟؟؟ در داستان «پسر بچه یتیم» (چاپ ۱۹۹۰ - آکسفورد)، یکی از قصه‌های کهن مربوط به ستاره زهره را پایه داستان خود قرار می‌دهد. در این داستان، پسر نوجوانی به نام «کیلکن» برای زندگی نزد پیرمردی می‌رود و با خود، نعمت و برکت بسیار به پیرمرد می‌بخشد و در کارهای مزرعه و نگهداری کارها به او کمک می‌کند. اما پسر که نمی‌خواهد پیرمرد را به رمز و راز موفقیت او پی ببرد، فقط به او می‌گوید:

«اگر به من اعتماد کنی، من کارها را انجام می‌دهم.» اما پیرمرد که همچنان مصر است به راز پسر نوجوان پی ببرد، او را تعقیب می‌کند تا بالاخره به راز او پی ببرد. بلافاصله پسر نوجوان تبدیل به شماره‌ای می‌شود و از پیش پیرمرد می‌رود. بدین ترتیب، پیرمرد به سبب خیانت به پسر، بار دیگر با بار سنگین تنهایی و کارهایش دست تنها می‌ماند.

«پل مورین»^۶ تصویرگر این کتاب، یکی از بهترین تصویرگران کتاب در کانادا است. او همانند بسیاری از هنرمندان برجسته و حرفه‌ای، پیش از تصویرگری یک کتاب، به کشور محل وقوع داستان می‌رود تا به خوبی با فرهنگ، مناظر و مردم آن منطقه آشنا شود. مورین معتقد است که تنها زمانی می‌تواند فرهنگ ملتی را به تصویر بکشد که بخشی از مشخصه‌های مربوط به آن را در وجود خود هضم کند. او در تصویرگری این داستان، هر تصویر را با چنان ترکیب‌بندی رنگی خلق کرده که فضای محل وقوع داستان، با تمام جزئیات مربوط به آن، به خوبی در ذهن و چشم مخاطب زنده می‌شود. کتاب پسر بچه یتیم، تاکنون چند بار جایزه تصویرگری ارگان‌ها و مؤسسات مختلف را به خود اختصاص داده است.

سخن آخر

کتاب‌های مصور مطرح شده در این مقاله، تنها نمونه‌های ادبیات چند فرهنگی کانادا نیست. در واقع، نویسندگان و تصویرگران معاصر این کشور، داستان‌های خاص خود را به مردم جهان عرضه می‌کنند و در این جریان، میراث منحصر به فرد و بسیار غنی و چندبعدی و متنوع خود را مورد تحسین و ستایش قرار می‌دهند. این دسته از هنرمندان و نویسندگان، به خوبی تجربه تعلق خاطر به گروه‌های اقلیت و مشخص را پشت سر گذاشته‌اند و به همین سبب، مایلند با تمام وجود، در مسیر اصلی و جریان حاکم بر جامعه کنونی

پانویس‌ها:

کاندا حضوری فعال داشته باشند. آن‌ها در آثار خود، سعی کرده‌اند که حد تعادل را رعایت کنند و بی‌جهت از گروه و نظریه‌ای طرفداری نکنند. باورها و نظریاتی که نویسندگانی چون پلی و مایکل کاساگاک به مخاطبان خود عرضه می‌کنند، زمانی جزو موارد سانسور شده کتاب‌های کودکان محسوب می‌شد. نقش و تأثیر کارگران چین در احداث خط راه‌آهن کانادا، تغییر و تحول عظیم سبک و سیاق زندگی، احترام به طبیعت و عناصر موجود در آن و نیز شادمانی و نشاط موجود در داستان‌های عصر حاضر، باعث شده تا مخاطبان کانادایی خود، مردم و جهان را با دیدۀ متفاوتی بنگرند و نظر خود را درخصوص بسیاری از مسایل تغییر دهند. در بسیاری از موارد، کتاب‌ها مخاطبان خود در معرض برداشت‌های تازه‌ای از مفهوم گستره حیات قرار می‌دهند و آن‌ها را سخت متعجب و غافلگیر می‌کنند. بدین شکل، خوانندگان متوجه شده‌اند که فقط سبک و سیاق زندگی و باورهای آن‌ها درست نیست. به علاوه، بسیاری از نویسندگان از منظری انتقادی، باورها و عقاید فرهنگی کشور کانادا را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند تا سرانجام، به اصلاحات لازم و سازنده دست یابند.

«سارا کارس»، معتقد است که «ادبیات ملی از اجزا و عناصری که با نهایت هشیاری و آگاهی، بنای ملی فرهنگ را می‌سازند، ساخته می‌شود.» گفتنی است که بسیاری از ناشران، مسائل سیاسی و اقتصادی را زیربنای کار حرفه‌ای خود قرار داده‌اند. اما خوشبختانه، هم اینک بسیاری از مؤسسات انتشاراتی، با جسارت و هوشیاری آثاری را منتشر می‌کنند که ابعاد و جنبه‌های بسیار مختلف و متفاوت زندگی مردم کانادا را صرف نظر از تفاوت‌های نژادی، مذهبی و اصالت فرهنگ به تصویر می‌کشد. کتاب‌های مصور و دیگر کتاب کودک و نوجوان معاصر کانادا، می‌تواند به مخاطبان خود کمک کند تا تعریف بهتری از هویت خود داشته باشند. بدین شکل، بسیاری از مفاهیم فرهنگ و سنتی با دید و زبان نویی در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد و به گونه‌ای بازسازی و حتی اصلاح هم می‌شود.

- | | | |
|-----------------------|------------------------------|----------------------------|
| ۱. Benedict | ۸. Micheol Arvaarluk Kusugak | ۱۵. paul yee |
| ۲. Sarah Corse | ۹. Repulse Bay | ۱۶. Harvey Chan |
| ۳. Ramsay Cook | ۱۰. Vladyana krykorka | ۱۷. Rachna Gilmore |
| ۴. Arnold Lower | ۱۱. Nunavut | ۱۸. Alice Priestly |
| ۵. Frank Davey | Anderson | ۱۹. Ernest REnan |
| Howard - Gibbon Award | ۱۲. Ruth Schwartz Awaid | ۲۰. Richardo Keens-Dauglas |
| ۶. Amelia Frances | ۱۳. Richard Van Comp | ۲۱. Tololwa Mollel |
| ۷. Ingrid Johnston | ۱۴. George littleehild | ۲۲. Paul Morin |